

اید و در میدان تجارت بیست ساله ناکام مطلق بوده اید آیا باز هم از ملت اعتماد و برای آزمایش موقع میخواهید؟ من بصدای بلند باقای وزرا اظهار میکنم که شما از هر جهت اعتماد خود را در نزد ملت باختی و خلق بچشم سر مشاهده مینمایند که از دست شما کاری ساخته نیست ولی بد بختی خلق - جهالت عمومی - فقر و فاقه عمومی و امراض عمومی همه بدست شما و در اثر پلانهای عالمانه شما درین خاک کشته شده و شما در مقابل خلق و تاریخ محکم و مستولید - اینکه آقای وزرا در رایسور خورش از وضع سیاسی افغانستان شکایت میکنند ما برعکس معتقدیم که وزرا نتوانستند از وضع مساعد سیاسی افغانستان مخصوصا در جنگ دوم استفاده نموده و نظریه سو سیاست روابط ما را با تمام دول همسایه برهم زده و از عهده معرفی - افغانستان در دنیا بر نیامده و نمایندگان شما در خارج اشخاص نا اهل و نالایق بوده و طوریکه بچشم سر دیده ایم فعالیت سیاسی کارمندان حکومت در خارج بجز تجارت های شخصی و استفاده های نا حائز و جمع پول چیز دیگری نبود و حتی در ممالکی که بنده بچشم سر دیده ام بمشکل سفارت - افغانستان را نظریه گمنامی میتوان سراغ نمود - بنده وقتیکه دو سال قبل به ترکیه رفتم در سفارت ترکیه آقای سفیر و یک نفر سر کاتب موجود بود که تقریبا بکدام زبان خارجی اشتهابوده و بچندین روز نامه هائیکه در انقره و استانبول نشر میشد قطعا اشتراک نداشته و فقط بصورت تصادف خبر میشدند که فلان روز نامه در خصوص افغانستان بچندین روز قبل چیزی نوشته است و حالا نکه نمایندگان باکستان افراض سو و فاسد خید را تقریبا در تمام روز نامه های ترکیه نشر کرده و شاید در دیگر ممالک نیز در جریان یکسال یک مقاله هم برای معرفی افغانستان از طرف سفارتخانه های ما داده نشود و داد نموده باشد بحقیقه ما سفارتخانه های ما یک موسسه شخصی چند افراد مخصوصی است که نه قدرت معرفی ملت و نه فکر تحکیم روابط را بر کرده اند و طبیعا در اثر این استفاده های نا جائز وزرای موجوده اعتماد خود را در نزد ملت باختی و دیگر نمایندگان ملت حاضر نیست و نمیتوانند مقدرات حیاتی خود را بدست شما بسپارند - اینکه وزرای نماینده دولت در رایسور خورش از فعالیت های شاندار اقتصادی - تعمیر بند بخرا و نهر ارچی - شرکت نقد و نساجی حرف میزنند بحقیقه ما موسسات مذکوره از همه بیشتر منافع شخصی چند فرد محدودی خدمت نموده و وزرا نخواستند و نمیتوانستند

انتخابی و دیموکراسی معرفی کرده باشند ولی تا جائیکه ما معلومات داریم اینهم از اگر سفرای ما ساخته نیست نمایندگان حکومت پس از مقدمه که خود شان بخرابیهای موجوده در هر ساحه اعتراف مینمایند از ترقیات شاندار کشور در ساحه معارف و سرکساز و بند و انهار حرف زده ولی ما از آقایان وزرا میبوسیم که آیا این ترقیاتیکه شما از آن حرف زده و بان مینازید آیا با ممالک همجوار ما قابل مقایسه بوده و حتی میتوان احوال اقتصادی و عرفانی و اجتماعی ما را با مستعمره های دیروزه انگلستان و بلجیک همجوار ما ایران مقابله و مقایسه نمود؟ آیا حال ایران ۲۰ سال اولتر از ما بارها بدتر نبود؟ آیا در ظرف ۳۰ سال روسیه شوروی یکی از مقتدرترین دول دنیا نگردیده است در حالیکه ما اولین ملکی بودیم که روسیه شوروی را بیه رسمیت شناخته ایم و آیا روزنامه ها و نشریات ۲۰ سال قبل ایران حکومت خود را با اقتدار با افغانستان تحریص نمیکرد؟ آیا چند در ظرف چند سال اخیر در هر ساحه ترقیات در خفا نی که ما در ۲۰ سال بدست حصه ان نایل نشده ایم نموده است؟ آقای وزرا شما همه این چیزها را شاید به ثروت ملی عطف کرده و باز شاید بفرمائید که مملکت فقیر بوده و فقر بودجه مملکت را بر روسیا بکشید اما از وزرای محترم سوال میکنم که شما هم وزرای این ملت فقیر و بی بضاعت بود ولی بفرمائید دارای چند قصر و باغ و چه مقدار اراضی و چه مقدار اسبام در بانکهای داخل و خارج مملکت میناسید؟ و اینهمه ثروت و جاه و جلال را بکدام استحقاق و این چوکی های مهوری را بکدام لیاقت گرفته اید بحقیقه ما در اثر افراض شخصی و سو استفاده های صریح و واضح کارمندان بزرگ هیچ پلان مفیدی در مملکت طرح نشده و فقط کارمندان بزرگ از جیب خلق کیسه های خوش افراد مخصوصی است که نه قدرت معرفی ملت و نه فکر تحکیم روابط را بر کرده اند و طبیعا در اثر این استفاده های نا جائز وزرای موجوده اعتماد خود را در نزد ملت باختی و دیگر نمایندگان ملت حاضر نیست و نمیتوانند مقدرات حیاتی خود را بدست شما بسپارند - اینکه وزرای نماینده دولت در رایسور خورش از فعالیت های شاندار اقتصادی - تعمیر بند بخرا و نهر ارچی - شرکت نقد و نساجی حرف میزنند بحقیقه ما موسسات مذکوره از همه بیشتر منافع شخصی چند فرد محدودی خدمت نموده و وزرا نخواستند و نمیتوانستند

نیاز مند بهای ملت را رفع نمایند در سال گذشته در مقدمه
 راپوریکه در مورد ایزاد محصول مال التجاره حکومت بشورا
 نوشته بود - وزرا اعتراف می نمایند که سی سال اولتر -
 افغانستان ۸۰ فیصد ما محتاج حیاتی خود را در داخل
 مملکت تهیه دیده و امروز صد فیصد در هر ساخه محتاج غیر از خود نزدیک میز نامه نگاران آمده و وقت که با اجازه
 این اعتراف وزرا درست بوده و حقیقتا احتیاج صد فیصد ملت
 در هر ساخه و از بین رفتن صنایع دستی و حرف ملی فقط
 و فقط زاده مجاهدات و عرقریزیهای شیا روزی وزرای محترم
 است - غله خریداری اساسا خلاف ماده ۲۶ قانون
 اساسی است و وزرای محترم در حالیکه شورا ایملی وجود دارد
 بطور غیر قانونی برای گرفتن سند با خلق مذاکره نموده و مثلا
 در یک ولایت یک یا دو میلیونی با دو صد نفر هم نشینان
 هنگام و تا تب الحکومه ها مذاکره نموده و ازان ها مجلا گرفته
 و ازین طومار های ساختگی میخواهند در مقابل شورا استفاده
 کنند پس صرف نظر از تمام علل و عوامل بنده صاف و پسا ک
 عرض میکنم که با اعتراف صحیح صدر لفظ صاحب که در سال
 گذشته برای رفع غله خریداری و با عدم همکاری وزرا و با آنکه
 وکلا در ظرف سه سال بهر گونه همکاری حاضر شده اند
 و نظر باینکه وزرا در اثر استفاده های شخصی و اغراض سو
 خود نمیخواهند روابط ملت و دولت خویتر شده و دولت
 ملت با هم نزدیکتر شود و نظر باینکه کارمندان بزرگ حکومت
 درین همه گیر و دارها استفاده های شخصی دارند پس ما
 هیچگاه نمیتوانیم با وزرا فیکه طرف اعتماد ما و ملت نیستند حرف برای گرفتن استقلال قربان کردند و همه میدانید که کسی
 بزیتم اما چون ما به شاعرین خود و بتم و ملت خود وفا دار ایجان ناجور از فرانسه آمده و ما را نجات داد و حالا دشمنان
 و دوست بوده و روا دار نیستیم که در بین دولت و ملت کشیدگی خارجی ما را آرام نمیکند آرند و میخواهند تزلزل پیدا کنند به
 و سو واتی تولید شود پس ما جدا از شاعلی رئیس شورا
 در خواست میمائیم که عرایض ما را بحضور ذات شاهانه تقدیم
 فرمایند تا اعلیحضرت همایونی امر فرمایند یک کابینه مسئول رانی نمود ولی من دیروز حاضر مجلس نبودم و وقتیکه من امروز
 و طرف اعتماد وکلا و ملت بروی کار اید تا ما درین مورد حیاتی
 و سافر قضایای مهم و حیاتی خلق با حکومت داخل مذاکره
 کردیم زیرا تجارب سه ساله ما نایب کرده است کابینه موجود
 سر همکاری با وکلا ی ملت را نداشته - بقانون - شورا و
 حتی قانون اساسی ل احترام نکرده و از روز تدارند که منافس
 شخصی خود را فدای تحکیم روابط دولت و ملت کرده و بلکه
 سعی دارند ملت و دولت را از هم دور نگاه نموده و میدان را
 برای استفاده های ناجا تر خود وسیع تر گردانند - پس من
 بحیث یک وکیل و نمایندگی از احساسات خلق بکا بینسه

موجوده رای عدم اعتماد داده و قطعا حاضر نیستم که با
 کابینه موجوده که فقط مقصود شان دوام غله خریداری و یا
 سه چند ساختن مالیه است حرفی بزیتم - (تأیید اکثریت وکلا)
 غلام حضرت خان وکیل کاپیسا - شاعلی وکیل کاپیسا
 زیرا اینها غرض دارند و تبلیغاتیکه در پارلمان میکنند از روی
 اغراض شخصی است پس شما دارای موقیعت محترم میباشید
 باید اجنده را تمقیب کنید یعنی بر مسئله دیوبحث شود
 و حالا نکه در اینجا در اجنده بحث نشده و پرو پا کند میشود
 آمدیم در مسئله که میگویند اکثر مردم جلا ی وطن شده اند
 اینهم اغراض شخصی است (حالا نکه شاعلی محمد صدیق
 خان وکیل مشرقی خودش در مجلس عمومی بحضور عموم وکلا -
 اظهار داشته که عده از هموطنان من از ظلم غله خریداری
 بخارج فرار کرده و اگر همین کار دوام کند شاید بیکران نیز
 ترک وطن گویند ولی شاعلی وکیل کاپیسا یا قصد ا انکار میکند
 و یا شاید در ان روز تشریف نداشتند) و از منابع خارجی
 ریشه میگیرد الحمد لله این ملت امتحان داده همین خاندان
 استقلال و وطن را گرفت و همین ها بودند که جلن خود را
 و همین ها بودند که جلن خود را
 استقلال قربان کردند و همه میدانید که کسی
 و ما را نجات داد و حالا دشمنان
 و ملت کشیدگی خارجی ما را آرام نمیکند آرند و میخواهند تزلزل پیدا کنند به
 رئیس - غلام حضرت خان درباره تمقیب اجنده سخن
 درین باره مذاکره کردن و باز سخن اجنده را مجلس کشانیدن
 کار خوبی نیست اینکه میگویند خارج موضوع حرف زده میشود
 درست است زیرا ما هنوز به سیمت بیانیه های بلند نبوده و
 موضوع از نزد ما برانگنده میشود و یا اینکه اصلا وکیل موضوعی
 را که سخنرانی میکند خارج موضوع نمیدانند من خواهش میکنم
 که کب های هیچکس را غرض تلقی نکنی ولی شک نیست که

گذارش مظاهره ۲ سرطان
در لیسه استقلال

نامه نگار ندای خلق دیده گی ها و شنیده گی های خود را در میتنگ (جلسه) پشتونهای سرحد و داخلی در مورد پشتونستان ساعت ۲ بجه بعد از ظهر چنین مینویسد

خطابه با این کلمات شروع گردید (مسئله امروزی ما مسئله حیات و ممات تمام ما است ولی وقتی میتوانیم که از مصایب روزگار برکنار مانیم که صادق - غدار - خیانتکار و شیطان خود را بشناسیم (کف زدنهای حضار) لازم است - خاتین ملی را محاکمه و به سزا برسانیم متاسفانه ما و شما امروز طوری خواب هستیم که دشمن ما را بنوک بر عیبیدار میکند در حالیکه اگر تاریخ را ورق بزنید و زندگانی - نیاکان خود را مشاهده کنید می بینید که بزرگان ما و شما دیگران را بنوک بر چه بیدار کرده خداوند را شکر داریم که ملت ما مسلمان بوده و الحال ما و شما روزه ایم شاه مسلمان و عدالت پسند داریم ولی تذکر میدهم که فیصله محاکمه فوق العاده در باره صافی و تثبیت برائت آن و بنام تولید توهم بازداشت شدن او نزد ما سخت است و لذا از یاد شاه دیموکرات خود انتقادات نوازش داریم - صافی کسی است که از پشتونستان طرفداری کرده و طرفدار نهضت و آزادی مملکت است و در حالیکه از آقای صافی تمزیف نموده و جمعیت با آواز های بلند زنده باد پشتونستان - زنده باد شاه و یا بنده باد اسلام مصروف بودند عزت اله خان و صالح محمد خان مجددی مداخله کرده و صدا میکردند صافی . . است و با آقای صافی دشنام داده و صدا میکردند که کسی نمیتواند پشتونستان را بگیرد و ما پشتونستان را نمیخواهیم و در ضمن وجد و استغراق خود کلمات بی تربیه - وحشی و جاهل را در مورد عموم ملت استعمال نموده و به مظاهره گندگان دشنامهای صریح داده و در اثر تحقیر عمومی و تجاوز پشتونان ملی مجادله آغاز شد - پولیس مداخله نمود و قانونا حق داشت - اداره و انتظام شافلی عطاء اله خان عظیمی قابل توصیف و رویه سید اکبر خان قاضی ستایش است ولی دشنامهای عمومی وزد و کتد ها و حتی عابریین سرک را بزرگندانی کشیدن و جیب و کلاه و - با پیکل مردم را بیثبات گرفتن والی صاحب بیمار بود و همه کس را محیرت افکنده و قانونا اهر اشوب طالبی شهر همیشه (در شماره آینده منتظر نوشته ما در مورد مظاهرات باشید)

بعضی سخنان تاثیر خوب و بعضی تا تیرید دارد ولی نباید دانست که هیچ کس و هیچ وکیل بر خلاف منافع ملی مملکت نیست .

نور علم خان وکیل میدان - مسئله غله خریداری از سه سال باینطرف موضوعی حثه بوده ولی تا امروز بکدام نقطه مطلوبه نرسیده ایم سال گذشته مدت زیادی بود چه مورد مطالعات زیاد و کلا قرار گرفته ولی صدر اعظم صاحب آمد و پهر حیلله که بود بود چه از شورا گذشت و صدر اعظم از وکلا رجا نمود که بشرطی ا بود چه از شورا گذشتانده شو که غله خریداری که یک تکلیف طاقت فرسا است در سال ۳۰ از دوش ملت برداشته شود همه وکلا و مخصوصا بنده بر خلاف کمیسیون زمستانی - بودم ولی در اثر وعده مذکور برای حل قضیه غله خریداری - نمایندگان شورا انتخاب شد و زرا تشریف آوردند و اتمام درخواست نمودند که چون رفع غله خریداری از طرف وکلا پیشنهاد شده باید مدارک را نیز آنها تهیه نمایند - ما مدارک را تهیه نموده و در عوض ۴۳ ملیون کسر بودجه ۴۴ ملیون افغانی تهیه کردیم ولی مدارک شورا بدون فیصله و اطلاع شورا باقرودی معاش بکار رفت پس واضح است که کمیسیون زمستانی که برای حل سه مسئله (بیکار - غله خریداری و بودجه) تعیین شده بود بجائسی نرسید در صورتیکه کابینه بقانون اساسی احترام نگذارد پس چگونه طبقه پست تر ملت از علاقه دار و غیره توقع کنیم که ان ها حقوق مردم را احترام نموده و قانون شکنی نکنند - پس من از مجلس خواهش میکنم که همان پنجاه ملیونی را که در زمستان برای رفع غله خریداری تصویب کرده ایم دوباره برای رفع غله خریداری تخصیص دهیم و لو تصویب ما در طاق نسیان بماند و احترام نشود ولی بهر صورت مسؤلیت وجدانی ما رفع میگردد و من بحین یک وکیل نظر باینکه کابینه موجوده قطعا بقانون اساسی و تعاصوب شورا اعتنا نکرده عدم اعتماد خود را بکابینه موجوده اظهار نموده و خواهش میکنم که مطابق قانون کابینه جدیدی تشکیل شده و بعد از اعتماد شورا مسایل حیاتی خلق را فیصله نمایند تا مردم آرام شوند (تا تید اکثریت وکلا و فریاد وکلا) باید رای گرفته شود تا مسئله فیصله شود (بقیه در اتی)

تصحیح

در شماره ۲۵ ندای خلق صفحه ۴ ستون اول سطر ۳ در عوض کلمه زایل (ظاهر) خوانده شود .
در شماره آینده منتظر مقاله مرده سیار بقلم شافلی شیر محمد خان وکیل قره باغ غزنی باشید .

خواتند تپهای خلق

عشقی

دل در کف بیداد تو جز داد ندارد

ای داد که کس همچو تو بیداد ندارد

فریاد رسی نیست درین ملک وگرنه...

کس نیست که از دست تو فریاد ندارد

دلها همه گردیده خراب از غم و اندوه

جز بوم درین بوم - دل شاد ندارد

هر جا گذری صحبت جمعیت و حزب است

جزبی که درین صلکت انفراد ندارد

دل در قفس سینۀ تنگ مرغ اسیری است

کز بند غمت - خاطر آزاد ندارد

عشق است که صد باره نماید جگر کوه

اینگونه هنر تیشه فرهاد ندارد

(فرخی)

یقین ما

کاش تا صح بچشم ما دیدی آنچه ما دیده ایم در برده

آن زمان آمدی سر انصاف نزدی حرف های ده مرده

خورده گیران از حقیقت دور خورده گیری همه بخود کرده

سخن اهل دل شنو که آنسر نشنیده کسی بسر خورده

(شافلی خال محمد خان خسته)

خبر های از آن ششدرک

از خارج - عساکر ایران با تفنگ های برچه دار تصفیه

خانه تیل را محاصره نمودند ... دلخک در خشت غلام

دیده که بین جایان و پاکستان کلام قرارداد صنعتی

که بر اساس آن انجینیرها و متخصصین جایاتی صنایع

پاکستان را اداره خواهند نمود در شرف انمقاد است ...

اگر دولت بهیچوازه بر طایفه رویدار شان باشد بمید نیست

در داخل بر تشکیلات بولیس مرکز تمولی که برفاهیت

عامه ختم میشود صورت گرفته ... با آنکه مرستون در جمع

کردن فقیر و بیستوای شهر مصرف مییابد زکوة ارباب مال

و سرمایه عده ای را بدروازه شان رهبر است ... لازم

است این زکوة ها از راه مرستون به مستحق برسد نه

بمقتضای ورثه ششدرک و دلخک خورد و وظیفه را گذاشته

در بی زکوة و اسقاط خواهند رفت ... رمضان در انحراف است

ترانه های دری و شیدا خیلی بهجت زاست ... خانگی

در سرک ولایت کابل پیراهن خود را بدست فروشی عرضه
و دخترکی یک تخته شطرنجی را میفروخت ... در چوک
جاده میوند سقائی را موتر شربت هلاکت چشائید ...
عید میرسد ... به سنت جامه های نو شاید موترهای
وزرا هم با جل و بل از مودلهای تو تجدید گردد .

توضیح

مدیریت عمومی معارف ولایت کابل در ریحه مکتوب نمره ۱۴۴
چنین توضیحات میدهد در شماره ۲۱ جریده ندای خلق
نوشته شده که (سید عزیز معلم صنف سوم مکتب میدان
بائرت و کوب معلم فوت نموده انا لله و انا الیه راجعون)
حقیقت امر چنین است که اسم معلم سید عزیز نبوده غلام عزیز
و معلم صنف سوم نی بلکه شاگرد صنف اول میباشد - چون
مدیریت عمومی معارف قبلا نیز همچو اطلاع واصل شده
بود بنا بران در اثر بازرسی و تحقیقات هیئت سه گانه
حکومت محلی میدان مدیریت معارف لکر معارف ولایت
کابل و تصدیق دکتور مستعد ثابت شد که معلم مذکور
بائرت و کوب تی بل با اثر مرض (اتانسی) که ۲۱ یوم
پیش بان مصاب بود فوت نمود .

ندای خلق - از توجه شان در مورد لت و کوب متعلمین
شکر و صرف در قسمت دکتور مستعد که از مرض شاگرد مذکور
در ۲۱ روز پیش تصدیق نموده خبرا هشتمند است محض
مملوات و قناعت خلق اسم داکتر با توجیت مرض اتانسی
متعلم مذکور چرا ذکر نشده ... اناالله و انا الیه راجعون

شرح اشتراك

کابل -	۴۰	افغانی سالانه
ولایات -	۴۵	»
خارج -	۵	دالر

تک شماره يك افغانی

مطبعه - گسترندای خلق - کابل